

ناپردباری به یک عرف گسترده اجتماعی تبدیل شده است

پنجشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۰ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۱

گفتوگوی وحید پوراستاد از رادیو فردا با مهرداد درویشپور
در مورد علل شکل‌گیری و رواج خشونت در جامعه

در پی قتل روح‌الله داداشی قوی‌ترین مرد ایران، کمیته ویژه‌ای در مجلس برای بررسی ابعاد این موضوع تشکیل شد. در همین زمینه ولی اسماعیلی رئیس کمیته امنیت مجلس، با اشاره به بررسی این پرونده اعلام کرده ضاربین داداشی هیچ شناخت قبلی از او نداشتند و این قتل صرفاً پیامد یک درگیری لفظی بوده است.

این موضوع بهانه‌ای است برای پرداخت علل شکل‌گیری و رواج گسترده خشونت در جامعه. در این زمینه مهرداد درویشپور، جامعه‌شناس ساکن سوئد، به پرسش‌های رادیو فردا پاسخ داده است.

آقای درویشپور، بروز خشونت‌های عریان در عرصه عمومی از چه چیزی نشئت می‌گیرد که برخی به خاطر درگیری لفظی در حین رانندگی مرتکب قتل می‌شوند؟

در جامعه‌ای که دیالوگ و راه‌حلهای سازنده به عرف اجتماعی برای حل اختلافات تبدیل نشود از دولت گرفته تا درون خانواده‌ها و در سطح سازمان‌های اجتماعی، خشونت ابزار اصلی حل اختلافات می‌شود.

هر چه جامعه با دشواری‌های اجتماعی-اقتصادی گسترده‌تری روبه‌رو باشد، هر چه ناهنجاری در جامعه توسعه یافته‌تر باشد، خشونت به عنوان عریان‌ترین ابزار اعمال قدرت و حل مشکلات اجتماعی نقش برجسته‌تری پیدا می‌کند.

به گمان من در جامعه ایران با شرایطی روبه‌رو هستیم که ناپردباری به یک عرف گسترده اجتماعی تبدیل شده است، بنابراین برای به کار گرفتن خشونت و حتی استفاده از خشن‌ترین شکل خشونت یعنی قتل لازم نیست اختلافات بسیار عمیقی پیش رو باشد، بلکه کوچک‌ترین اختلاف اجتماعی می‌تواند به دلیل این ناهنجاری و عادی شدن خشونت به آنجا منجر شود که مردم حتی دست به قتل بزنند.

این قبیل حوادث و موارد مشابهی که ظرف چند ماه اخیر در تهران شاهد بودیم، از جمله اینکه پسری به یک دختر علاقه‌مند می‌شود و جواب رد می‌شود و در خیابان و در معرض دید مردم با ضربات چاقو دختر را به قتل می‌رساند. چرا در ایران این موارد در سال‌های اخیر بیشتر شده است؟

اول به این دلیل که دولت با استفاده عریان از خشونت برای سرکوب خواست‌های مردم در نهادینه کردن فرهنگ خشونت نقش کلیدی ایفا کرده است.

دوم در جامعه‌ای که با ناهنجاری و مشکلات روبه‌رو است و زمانی که خشونت به کار گرفته می‌شود، قوه مجریه و مقننه و قضائیه کشور راه حلی برای مقابله با خشونت پیش روی جامعه قرار نمی‌دهد و جامعه با نوعی بی‌تفاوتی نسبت به خشونت روبه‌رو می‌شود و انگار خشونت بخشی از رفتار و کردار عادی مردم می‌شود.

مثلاً در کشور سوئد اگر حتی شما به یک حیوان لگد بزنید بلافاصله با شکایت نزد پلیس روبه‌رو می‌شوید. اما در جامعه ایران جلوی چشم همه قتل در کوچه و خیابان پشت سر هم صورت می‌گیرد و آن قدر خشونت عادی و بی‌تفاوتی ایجاد شده که مردم این را بخشی از زندگی روزمره خودشان تلقی می‌کنند.

جامعه‌شناسان برای بهبود و یا کم شدن خشونت‌های عمومی در جامعه چه راه کارهایی را توصیه می‌کنند؟

به نظر من دموکراتیزه شدن نهادهای اجتماعی کشور از دولت گرفته تا قانون و نهاد خانواده و پلیس و ارتش و تمام نهادهای اجتماعی یکی از مهم‌ترین راه حل‌ها است.

دموکراتیزه کردن به این معنی است که در جامعه شیوه حل و فصل مشکلات از طریق گفت‌وگو و توافق بین طرفین دعوا به امری رایج تبدیل شود. علاوه بر اهمیت نهادینه کردن دموکراسی و دیالوگ، مسئله دشواری‌های اجتماعی- اقتصادی بسیار کلیدی است. هر چه جامعه از سلامت، رفاه اجتماعی و توسعه فرهنگی بیشتری برخوردار باشد جرایم در آن کاهش می‌یابد.

همچنین جامعه‌ای که در آن بین دولت و مردم نوعی هارمونی وجود داشته باشد، در اینجامعه جرایم اجتماعی بسیار کمتر است در حالی که مجازات هم پایین‌تر است. اما هر چه شکاف بین دولت و ملت و بخش‌های گوناگون جامعه عمیق‌تر باشد، این خطر وجود دارد که

ناهنجاری روز به روز شدت بیشتری پیدا کند و خشونت به عادی‌ترین رفتار اجتماعی تبدیل شود.